

جلسه شانزدهم اعتقادات

«امامت - لزوم جانشین برای امام»

۱- عطف ولایت امام علیه السلام بر ولایت خدا

«أعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله آل الله، لا
سيما على بقية الله روحى و أرواح العالمين لتراب مقدمه
الفداء و اللعنة الدائمة على أعدائهم أجمعين من الآن إلى
قيام يوم الدين»

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ
آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»^۱

در هفته‌های گذشته درباره‌ی این مسأله که از اهمّ مسائل
زندگی ما افراد بشر است، مطالبی عرض شد و بیشتر از همه
به این مطلب اشاره شد، که ولی ما اوّل خدا است و بعد
پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله با دلایلی که عرض کردم و
سپس ولایتِ ائمّه‌ی اطهار علیهم السلام که ولایت آن‌ها ولایتِ
خاص‌الخاص و فرمانروایی آن‌ها با کمال محبّت به بشریت
بدون آنکه جهلی در کار باشد و عصمت کامل، آن‌ها ولایت

۱ - سوره مائده، آیه ۵۵.

بر بشر دارند و بعد هم ولایت خاص را عرض کردم که مربوط به فقهاء است، با شرایطی که در روایات آمده؛ «صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ»^۲ که همین مراحل سیر و سلوکی است که شما ان شاء الله قدم بر خواهید داشت.

در خصوص ولایت خاص الخاص، مطلب زیاد است و معرفت امام از هر چیزی برای ما اهمیتش بیشتر است و لذا پروردگار متعال ولایت ائمه‌ی اطهار علیهم السلام را در ردیف ولایت پیغمبر صلی الله علیه و آله و خدا قرار داده و فرموده:

۲ - وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۶.

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا»^۳ که قطعاً منظور از کسانی که ایمان آورده‌اند دوازده امامند و لاغیر. گفتم به خاطر اینکه مسأله‌ی ولایت خیلی اهمیّت دارد و با کلمه‌ی «واو» عطف این مؤمنین را خدای تعالی به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و خودش عطف فرموده و معنایش این است که هر چه و هر کیفیتی که خدا بر بشر ولایت دارد، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و این مؤمنین ولایت دارند. پس بنابراین این کلمه‌ی «وَالَّذِينَ آمَنُوا» حتّی شامل سلمان هم نمی‌شود و تنها و تنها شامل علی بن ابیطالب، فاطمه‌ی زهرا و یازده

۳ - سوره مائده، آیه ۵۵.

فرزندان شان علیهم السلام خواهد شد. چون ایمان این ها در
ردیف ایمان پیغمبر صلی الله علیه و آله است.

۲- ایمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

ایمان این ها در ردیف آن کسی است که: «أَمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ
إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ»^۴ آنچه بر پیغمبر صلی الله علیه و آله در شب قدر و
یا در شب اول خلقت نازل شده به همه ی آن ها پیغمبر ایمان
دارد. شما نگویید این وصف فوق العاده ای نیست، ایمان به
حقایق قرآن، ایمان به آنچه که خدا از علمش برای بشر

۴ - سوره بقره، آیه ۲۸۵.

فرستاده، ایمان به آنچه که بشر تا ابد که می‌خواهد در دنیا و
برزخ و قیامت و بهشت زندگی کند و هر راهنمایی برای
سعادتش لازم است، به همه‌ی این‌ها پیغمبر اکرم
صلی‌الله‌علیه‌وآله عالم است و ایمان دارد و معتقد است و
مثل روز برایش همه‌ی احکام و معارف روشن است. همان
جمله‌ای که خلاصه کرده امام صادق علیه‌السلام در دعای
ندبه «وَ أَوْدَعْتُهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ»^۵
یعنی پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را تو، آن علم بی‌نهایتی
که عین ذات مقدّس خدای تعالی بوده و به صورت معلومات

۵ - مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

در قلب پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده و بعد به وسیله ی این نزولی که در قلب پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از حقایق و معارف به وجود آمده در شب قدر تمام ماسوی الله را تنظیم کرده و آن قرآنی که به صورت نازل شده ی بعد از چند نزول و به صورت کتاب، در اختیار ما قرار گرفته، این علم را خدای تعالی به چهارده نفر عنایت کرده است و این ایمان را هم پیغمبر صلی الله علیه و آله به همه ی حقایق و علم الهی دارد و ائمه ی اطهار علیهم السلام هم دارند و فاطمه ی زهرا علیها السلام هم که «ام ابیها» است، فاطمه ی اطهر سلام الله علیها که آنقدر خدا به او علم و معرفت داده، که

گاهی مورد توجّه خاص علی بن ابیطالب علیه السلام واقع می‌شد، این‌ها همان مؤمنانی هستند که عطف شدند به پیغمبر صلی الله علیه وآله و خدای تعالی.

بنابراین با همین دلیل و صدها دلیل دیگر که من در این مجلس مقیدم مطالب را بسیار خلاصه عرض کنم و خدا حفظ کند دوستانمان را که در وسط هفته برای سایرین که ممکن است دقیق متوجّه نشوند، توضیح می‌دهند. این بزرگ‌ترین دلیل ما است بر اینکه خدای تعالی طبق همان روایاتی که سنّی و شیعه هم نقل کرده‌اند که خدای تعالی

دوازده جانشین به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عنایت کرده
که در علم و عصمت مساوی با پیغمبرند

۳- اثبات عقلی جانشین برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

و از نظر عقلی نمی شود که شخصی که می خواهد از دنیا برود
و از نظر ظاهری حتی کلی ثروت دارد و بسیار مایل است
کارهای ناتمامش تمام شود و بسیار دوست دارد که هر چه او
نکرده وصی اش و خلیفه اش بکند، این چنین فردی هیچ گاه
نمی گذارد تا قدرت دارد نمی گذارد، مخصوصاً پیغمبر اکرم
صلی الله علیه و آله که قدرتش وصل به قدرت پروردگار است

قطعاً نمی‌گذارد که کارِ ناتمامش، ناتمام بماند یا وصی‌اش کسی باشد که در علم و عصمت از خودش کمتر باشد. چون اگر کمتر بود، قطعاً کاری که آن حضرت شروع کرده ناتمام خواهد ماند. پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در جزیره العرب عده‌ی محدودی به او ایمان آوردند و به عده‌ی محدودی توانست حقایق را بفهماند. باید، لازم است و هر کس غیر از این را بگوید قطعاً نادان است، که بعد از پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله باید کسی جای پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بنشیند؛ حالا اگر نگوییم چون دلیل داریم و نمی‌گوییم که از پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله باید بالاتر باشد ولی این را

نمی‌گوییم ولی مساوی پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله حتماً باید باشد. مردم آن زمان که پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله با آنها روبه‌رو بود مردم جاهلی بودند، عقل و درک و فهم نداشتند لذا آنها حامل فقه نمی‌شدند، مقداری از علم اسلام و معارف اسلام را ممکن بود یاد بگیرند و به قول مرحوم آیت الله العظمی بروجردی که خودم از ایشان شنیدم می‌فرمودند: اصحاب و مسلمان‌های صدر اسلام روایات را از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام گرفتند مثل بقچه‌بندی - تعبیر خود ایشان بود - که ندانند داخل این بُقچه چی هست؟ و به دیگران برسانند که دیگران آن بقچه را

باز کنند و ببینند تویش چیست. «رُبَّ حَامِلٍ فِقْهٍ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ» مردم این زمان همه چیز را می فهمند و بلکه باز ما در مقابل مردم زمان ظهور، چیزی نمی دانیم و آن ها همه چیز را بهتر درک می کنند. باید این روایاتی که از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و این قرآنی که از آن حضرت به ما انتقال پیدا کرده باید یک شارح داشته باشد، یک مفسر داشته باشد، یک کسی که همه ی حقایق را بداند و برای دیگران شرح بدهد، نمی شود که یک نفری جای پیغمبر صلی الله علیه و آله بنشیند که از پیغمبر علمش کمتر! از پیغمبر عصمتش کمتر! و جهلش و نادانی زیادی داشته

باشد! جاهل در مقابل پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله! نمی شود، معقول نیست. یک نفری آمده یک دین جهانی آورده که خاتم انبیاء است، پیامبری را ختم کرده، قطع کرده، حقایقی که تمام مردم دنیا باید از آن استفاده کنند و سعادتشان را در دنیا و آخرت تأمین کنند، مدّت زمانی که در بین مردم بوده بیست و سه سال بوده در ظرف بیست و سه سال، با مردم جاهلی روبرو بوده است که حتّی به وصی پیغمبر که علی بن ابیطالب علیه السلام باشد، وقتی که آن حضرت می گوید: از طُرُق آسمان ها از من سؤال کنید، یک مقداری می خواهد روی علوم را باز کند به روی بشر، از طُرُق

آسمان‌ها از من سؤال کنید، از طرق زمین سؤال کنید، «سألونی
قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي»^۶ قبل از اینکه من را دیگر نبینید، سؤالاتان
را بپرسید، مردمی در پای سخنانش نشسته بودند، که یک نفر
به عنوان مسخره کردن می‌گوید که اگر راست می‌گویی سر و
صورت من چقدر مو دارد؟ چند تا مو دارد؟ که آن دانشمند
فضا شناس می‌گوید: ای کاش! امروز ما پای منبر
علی بن ابیطالب علیهم السلام می‌نشستیم و مشکلات
فضایی‌مان را از او سؤال می‌کردیم. با این مردم روبه‌رو بوده
است پیغمبر صلی الله علیه و آله، مردمی که هنوز بعد از

۶ - نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹.

مدّت‌ها که در اسلام بودند غصّه‌ی رسوماتشان را می‌خوردند،
که ما رسم داشتیم دختر نگه نداریم، رسم داشتیم که اگر
فرزندانمان زیاد شد آن‌ها را معدومشان کنیم، که خدای تعالی
فرمود: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ»^۷ برای فقر بچه‌هایتان را
نکشید، نهی‌شان کرد، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله با یک
چنین مردمی روبه‌رو بود، نتوانست در ظرف بیست و سه
سال، بنای معجزه هم که نبود، در ظرف بیست و سه سال
حقایق را به این مردم بفهماند. از دو حال برای هیچ عاقلی
خارج نیست؛ یعنی هر کس فکر کند یکی از این دو راه را باید

۷ - سوره اسراء، آیه ۳۱.

انتخاب کند، راه سوّم ندارد، آقایان! این مطالبی که عرض می‌کنم، عالم اسلام اگر قبول می‌کرد امروز به این بدبختی‌هایی که دارد یهود و نصاری بر سر آن‌ها حکومت می‌کند، حکومت نمی‌کرد و آن این بود: یکی از دو راه یا کار پیغمبر باید ناتمام بماند و مثل جرجیس پیغمبر که اصلاً ما از او، و از احکامش و از دستوراتش اصلاً اطلاعی نداریم بعد از هزار و چهارصد سال، اطلاعی نداشته باشیم و یا باید در رأس کار یک نفر که من این جمله را نمی‌گویم که بهتر از خودش، بلکه عرض می‌کنم لازم است که مثل خودش، یک کلمه نباشد که وصی‌اش بلد نباشد و خود پیغمبر بلد باشد؛

چون اگر این وصی بلد نبود، پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله هم که از دنیا رفته به دست مردم آن علومی که خدا می خواست برساند، نمی رسید. نمی دانم قبول می کنید یا نه؟ فکر می کنم اگر به عرایض توجه کنید، دو دوتا چهارتا است. یا به کلی دین محذوف و یا باید نه یکی چون حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هم سی سال بیشتر در بین مردم نبود که سی سال هم بیست و پنج سالش در گوشه خانه نشسته، چهار سال، الی پنج سال بیشتر در بین مردم نبود. آن هم مصادف با سه جنگ وقت گیر! این هم که نشد، امام حسن مجتبی علیه السلام هم آمد نشد، نمی گویم نشد، بلکه

کامل نشد. نتوانست از نظر استقبال مردم که تمام دنیا را تحت پوشش اسلام و قوانین اسلام قرار بدهد. این هم نشد. همچنین سایر ائمه علیهم السلام هر کدام یک مقداری را انجام دادند رفتند جلو، هر کدام یک تحقیقاتی در علم الهی برای مردم شرح دادند رفتند، از دار دنیا رفتند و شهید شدند. و الان هم که مردم رشد فکری کردند و من در یک مجلسی - نمی دانم هفته ی گذشته بود یا در یکی از این شب های مجالس خصوصی تر صحبت می کردم - گفتم، یکی از مراتب ظهور صغری، که خدا رحمت کند مرحوم استادمان القاء کرد و علمایی بعد صحبت کردند و نوشته شد؛ یکی از بارزترین

مسأله‌ای که ظهور صغری را خیلی روشن می‌کند، همین که تمام دنیا امروز طالب عدالتند، از جنگ خسته شده‌اند، مردم رشد کرده‌اند، اینکه یک نفر پیدا بشود به عنوان یک دیکتاتور به عنوان یک ابرقدرت بیاید زن و فرزند مردم شیعه را در خانه‌هایشان بکشد، این را دیگر نمی‌خواهند، این مال زمان مُغول و چنگیز و مثلاً هیتلر و امثال این‌ها بود. الان مردم نمی‌خواهند در یک روز صد و شصت مملکت همه تظاهرات کردند، که ما عدل می‌خواهیم. این آیا بهتر از آنچه که در کتاب‌ها نوشته درباره‌ی ظهور صغری این علامت و این مسأله بارزتر نیست؟!

تنها دلیلی که ما داریم برای آمدن امام زمان ارواحناده، که مکرر در گذشته از من سؤال می‌کردند، که کی حضرت ظهور می‌کند؟ این یک سؤالی است، شاید همه‌ی شماها الان داشته باشید. من در جواب می‌گفتم وقتی که مردم آماده‌ی برای پذیرش عدل و داد باشند و از جنگ و ستیز خسته شده باشند، در گذشته هیچ از وضع امروز هم اطلاع نداشتم و الان شده. یک مختصر، یک مقدار کوچک بیشتر روی سر این مردم فشار بیاید می‌گویند که عدل و داد؟ می‌گویند کی باید عدل و داد را پیاده بکند. شخصش را می‌طلبند، آن ابرقدرتی که در آمریکا نشسته او اهل این کارها نیست، خلاف این کار

را دارد عمل می‌کند. کی باید باشد؟ مردم این زمان رشد فکری پیدا کرده‌اند، حاضر نیستند زیر بار استعمار بروند، حاضر نیستند زیر بار افرادی که اهل تزکیه‌ی نفس نیستند، اهل کمالات نیستند، عصمت ندارند زیر بار این‌ها بروند، بلکه مسلمان‌ها زیر بارِ «لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ»^۸، برای خودتان نصارا و یهود را اولیاء، سرپرست، فرماندهی با محبت تصور نکنید و این‌ها را برای خودتان رهبر انتخاب نکنید. این رشد تا اینجا آمده، یک مقدار دیگر اگر یک تکانی بخورند مردم دنیا فکر می‌کنم به همان نقطه‌ای می‌رسند که

۸ - سوره مائده، آیه ۵۱.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله برای آن مبعوث شد، علی بن ابیطالب علیه السلام برای آن زحمت کشید، حضرت مجتبی علیه السلام برای همان در خانه نشست و صلح کرد، حضرت سید الشهداء علیه السلام هم برای همان در میان گودی قتلگاه افتاد و زن و فرزندش اسیر شدند و سرش روی نیزه رفت، به همان نقطه می‌رسد و ان شاء الله امیدواریم در زمان ما، در زمان همه‌ی ما که اینجا نشسته‌ایم، حتی مسن‌ترین افراد به آنجا برسد، همان طوری که شاید شما دو ماه قبل فکر نمی‌کردید، مردم دنیا اینقدر آماده عدل و داد و اینقدر متنفر از جنگ باشند ان شاء الله به زودی ببینیم که رهبر عدل و داد،

رهبر انقلاب حضرت مهدی حضرت حجة بن الحسن
ارواحنا فداه بیاید و دنیا را پُر از عدل و داد کند و آن معارف
حقّه که بیست و شش بخش از بیست و هشت بخش علم
که همه‌ی پیغمبران آورده‌اند، آن بقیّه را به من و شما
ان شاء الله تحویل بدهد و همه‌مان آنچنان بفهمیم، حقایق
قرآن را که امروز خودمان را مثل مردم صدر اسلام تصوّر کنیم.
بنابراین - نمی‌دانم فهمیدید ان شاء الله همه‌تان فهمیدید که -
دو دوتا چهارتا است.

یعنی از دو راه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله حتماً
می‌خواست یک راه را انتخاب کند. یا اینکه هیچی نگوید،

یک مدّتی آمده در دنیا زندگی کرده، حُب یک عده دورش جمع شده‌اند، از دنیا رفته و تمام شده، حالا بقیه‌اش را خود مردم می‌دانند- همین طوری که اهل سنت معتقدند خودشان می‌دانند- می‌خواهند از بین ببرند این دین را، اصلاً دینی نباشد، می‌خواهند یک نفری را تعیین کنند بروند در سقیفه بنشینند یک جای محدود، شخصیت‌های درجه یک اصحاب که غیر از علی بن ابیطالب علیه‌السلام و آن‌هایی که با سیاست‌شان مخالف بودند آنجا جمع بشوند- چون علی علیه‌السلام نبود در سقیفه - و رأی بدهند به هم تعارف کنند، مسأله‌ی خلافت را و بعد هم به همین روال بیاید جلو تا به

اصطلاح ابومسلم خراسانی پیدا بشود و نسل بنی امیه را و خلافت بنی امیه را از بین ببرد و بعد هم باز خلافت بنی العباس شروع بشود و خواجه نصیر الدین طوسی بیاید خلافت بنی العباس را از بین ببرد و تحویل بدهد به شاه‌های زمان که البته خواجه این کار را نکرد طبعاً تحویل داده شد به شاه‌های زمان؛ که الان در دنیا این‌ها را مشاهده می‌کنیم و ما هم در بیست و پنج سال قبل مشاهده کردیم یک فردی که به هیچ وجه ضدّ هوای نفس کار نمی‌کند، به هیچ وجه تحت فرمان پروردگار نیست و این زندگی را پیدا کنیم و دین هم طبعاً تمام شده بود، یعنی اگر ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام

نبودند همان زمان یزید دیگر تمام شده بود دین؛ «لَعَبَثُ
هَاشِمٌ بِمُلْكٍ فَلَا خَبْرٌ جَاءَ وَلَا وَحْيٌ نَزَلَ»^۹.

۴- راهی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای جانشینش

انتخاب کرد

یک راه دیگر دارد که همین راه را ما معتقدیم پیغمبر اکرم
صلی الله علیه و آله انتخاب کرد، ما معتقدیم که خدای تعالی
برای حفظ دین همین راه را انتخاب کرد و آن راه این است؛
خدای تعالی ای که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را خلق

۹ - اشعار یزید لعنه الله علیه.

کرده، همه‌ی علوم را به او داده، دستش دیگر بسته نیست که یک نفر، دو نفر، ده نفر، دوازده نفر دیگر هم خلق کند و در همه‌ی زمان‌ها باشند، حافظ دین باشند، مالک دین باشند، ولایت مطلقه داشته باشند این هم خدا قدرتش که تمام نشد در خلقت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، یک نفر دیگر خلق می‌کند و به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هم ابلاغ می‌کند: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ»^{۱۰} معنای «فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ» را اینجا شما امروز

۱۰ - سوره مائده، آیه ۶۷.

خوب می‌فهمید، که اگر علی علیه‌السلام را جای خودت
نگذاری رسالت را انجام نداده‌ای.

اگر آن کسی که مثل نفس تو است «وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ»^{۱۱} بلکه

در پیاده کردن علوم الهی نفس پرودگار است، عجیب است!

این را من در اینجا نمی‌خواهم بگویم ولی چون به اینجا

رسیدم می‌گویم. در روایت دارد در ذیل آیه‌ی شریفه‌ی:

«وَيَحَذِّرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ»^{۱۲} خدا از نفسش شما را می‌ترساند به

وسیله‌ی نفسش شما را می‌ترساند، حضرت صادق

علیه‌السلام می‌فرماید: «إِمَامُ الْأَرْضِ نَفْسُ اللَّهِ» معنای این

۱۱ - سوره آل عمران، آیه ۶۱.

۱۲ - سوره آل عمران، آیه ۲۸.

جمله می‌دانید چی هست؟ یعنی همان طور که در بُعد
ظاهری پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله علی علیه السلام
نیست و علی علیه السلام پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله
نیست، همان طور علی بن ابیطالب علیه السلام خدا نیست
و خدا علی بن ابیطالب علیه السلام نیست؛ اما در پیاده
کردن معارف و احکام الهی همان خدا است، همان کسی
است که باید به وسیله‌ی او خدای تعالی احکام و معارف را
پیاده بکند. این چنین شخصی را باید بگذارد، این مرد، این
شخص احساسات بر عقلش غلبه نکند، عصمت از جهل
داشته باشد. مصالح مردم را در نظر بگیرد، مصالح مردم اگر

به این منتهی می‌شود که چهار هزار نفر مقدّس خشک
بی‌معرفت را بکشد، در جنگ نهروان بکشد و اگر ایجاب
می‌کند که گردن زیر ریسمان بدهد به طرف مسجد
بکشندش برود، خب حالات علی بن ابیطالب علیه‌السلام را
مطالعه کنید، بعد از بیست و چند سال آن چهارهزار نفر را
کشت، قدرتش طوری نشده بود و قبل از بیست و شش سال
گردن زیر ریسمان داد، همه‌اش برای خدا بود، ای کاش مردم
مسلمان هم مثل آن یهودی که کنار خانه‌ی علی بن ابیطالب
علیه‌السلام ایستاده بود و اظهار اسلام کرد، بودند. مردم
مسلمان نفهمیدند علی علیه‌السلام چرا این طور به زور دارند

به طرف مسجد می‌کشاندش هیچی نمی‌گوید، زنش را می‌زنند چیزی نمی‌گوید، در به پهلویش می‌زنند چیزی نمی‌گوید، محسنش را سقط می‌کنند، چیزی نمی‌گوید، این برای چیست؟ آن یهودی گفت: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» دیگران گفتند آن روزی که اسلام عزّت داشت، زمان پیغمبر صلی‌الله‌وعلیه‌وآله تو شهادتین نگفتی امروز چرا می‌گویی؟! گفت: من به وسیله علی اسلام را شناختم، این مرد فقط برای خدا دارد کار می‌کند، فقط برای پیشرفت اسلام و بقاء اسلام دارد کار می‌کند و واقعاً هم همین است، کدام عاقل است که غیر از این معتقد باشد، یک کسی را گذاشته بعد از خودش

که: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»^{۱۳}، این سخن را خدایی گفته که قادر بر همه چیز است و همه‌ی افتخارات مال خدا است، اما اینجا دارد فخر می‌کند، افتخار می‌کند، دارد به خود می‌بالد، «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»^{۱۴}، یک کسی را تعیین کردیم که مردم کفار دیگر جرأت نمی‌کنند به طرف دین بیایند.

۱۳ - سوره مائده، آیه ۳.

۱۴ - سوره مؤمنون، آیه ۱۴.

۵- حفظ دین بخاطر وجود ائمه اطهار علیهم السلام

این دینی که الان در دست من و شما است بعد از هزار و چهارصد سال به خاطر همان گذشت‌ها است. امام حسن مجتبی علیه السلام به خودش قسم! اگر اراده می‌کرد معاویه فلج لا اقل بشود، مغزش از کار بیافتد می‌شد، الان شما مریض سرطانیتان را می‌برید در خانه امام مجتبی علیه السلام بعد از هزار و چهارصد سال شفایش می‌دهد، چرا نکرد؟! برای حفظ دین، برای اینکه امروز ما بنشینیم فکر بکنیم، من همه‌ی این‌ها را دلایل قطعی، علمی و تحقیقاتی دارم، می‌گویید: نه! می‌خواهید، حالا ان شاء الله من نمی‌خواهم در جزئیات

مسأله‌ی امامت وارد بشوم، تمامشان، حتّی امام هادی و امام
عسکری علیهماالسلام که در مُعسکر زندانی بودند و شاید
کلمات زیادی هم از آن‌ها به دست ما نرسیده، همان بودنشان
در زندان، همان داخل مُعسکر بودنشان، توی لشکرگاه
بودنشان، همان دین اسلام را حفظ کرد، منتها به نخ باریکی
رسیده بود، تا امروز.

تا امروز که ما انتظار داریم، باز دنیا انتظار دارد، این انتظار
نیست که همه بگویند ما عدالت می‌خواهیم نه جنگ؟ و این
مسأله برایشان هیچ پیاده نشود، هیچ اهمیّت به همه‌ی این
مردم دنیا داده نشود، چرا؟ برای اینکه که مصالح مردم دنیا

مطرح نیست، این‌ها نمی‌خواهند یک کسی بیاید در رأس قدرت واقع بشود که تمام مردم دنیا آن چه می‌خواهند برایشان فراهم بکند و همه در رفاه و آسایش باشند. به خدا قسم ما خوابیم، غافلیم، همه‌ی مردم دنیا امروز وجود مقدّس امام زمان علیه‌السلام را می‌خواهند، البتّه حتّی خود شیعیان. من از چهل سال قبل، پنجاه سال قبل، حتّی خوب یادم است، احدی حتّی دعای ندبه را نمی‌شناختند چیست؟ که آمده بودند سؤال می‌کردند از پدر من که دعای ندبه در کجا است؟ تازه کتاب مفاتیح چاپ شده بود ایشان ارجاع می‌داد به کتاب مفاتیح و یک جمعیت خیلی کوچکی که چهار نفر یا

پنج نفر بودند، که یکی اش پدر من بود مجلس دعای ندبه تشکیل دادند، مرحوم آیت الله کلباسی در مشهد بودند ایشان می آمدند دعای ندبه را می خوانند همین، الان چی؟ شما صبح که از خواب بیدار می شوید روز جمعه، غیر از جمعه، می بینید همه ی مردم رفتند توی مهدیه یا امثال این ها دارند دعای ندبه می خوانند، حالا درست است آنچه شما می خواهید، شاید همه جا خوانده نمی شود، ولی کم کم خوانده می شود، بگذارید آقا تشریف بیاورند،

بگذارید امام زمان علیه السلام بیاید، آن وقت بعضی از جملات را اگر از مدح پیغمبر صلی الله و علیه وآله شما در قرآن

ندیده باشید و بعضی از کلمات خاندان عصمت
علیهم السلام را اگر درباره‌ی پیغمبر صلی الله وعلیه وآله
نشنیده باشید؛ همان طوری که یک عده از مسلمانان ندیدند
و نشنیدند وقتی به علوم حضرت بقیه الله ارواحنا فداه برخورد
می‌کنند می‌گویند: این آقا که خیلی بالاتر از پیغمبر
صلی الله وعلیه وآله است، ما می‌گوییم: نه! هر چه ایشان دارد
همان چیزهایی است که پیغمبر اکرم صلی الله وعلیه وآله دارد.
و الا نمی‌شود مردم باهوش و با درک و دانشمند امروز را و یا با
هوش و با درک و با علم دانشمندان فردا را، همین طور معمولی
با آنها برخورد کرد، من یک قدرتمندم آمده‌ام شما را به آنچه

که مصلحت‌تان هست برسانم، همین طور که همه‌ی
قدرتمندان می‌گویند، باید برساند، در مدّت کوتاهی هم
می‌رساند. تمام کوهی زمین را در ظرف کمتر از ده سال-
بعضی از روایات هشت سال- تمام مردم سرجایشان
نشسته‌اند، راحت، به تمام خوبی‌ها رسیده‌اند یک چنین
فردی باید جانشین پیغمبر باشد، اگر این چنین شخص، نه
علم داشته باشد، نه عصمت داشته باشد، به فکر خودش
باشد که اگر یک وقتی دشمنی هجوم آورد از کدام سوراخ فرار
بکند، این مسائل را اگر داشته باشد، این هم مثل همین‌ها
است، این دارای آن علم نیست.

۶- امام علیه السلام معصوم از جهل است

کوچک‌ترین جهلی در وجود مقدّس امام نباید باشد. معصوم از جهل، این جمله‌ای است که شاید در کتاب‌ها ندیده باشید، ولی من هر چه فکر کردم بهترین جمله و خلاصه‌ترین جمله برای اینکه امام چه هست و چه خصوصیت دارد؟ همین جمله است؛ معصوم از جهل، و این چهارده نفر هم بیشتر نمی‌شود باشند، معصوم از جهل، هیچی برایش، چه آینده، مثلاً ما حالا این کار را برای ملّت انجام بدهیم، فردا شاید خراب در آمد از کار، ابد! این مردی که آمده در مقابل

من ایستاده و اظهار ارادت می‌کند و خیلی هم دست و پای
ما را می‌بوسد این در دلش می‌خواهد یک روزی استاندار،
وزیر، نمی‌دانم در مملکت یک کاره‌ای بشود، این توی دلش
این است، حضرت امیر علیه‌السلام هم می‌فهمید این را،
منتها به رویشان نمی‌آورد. زمان زمانی نبود که به رو بیاورد،
ولی امام زمان ارواحنا فداه نه، زمان زمانی است که به رو
بیاورد، تو در دلت این‌ها است، این کاری که شماها پیشنهاد
می‌کنید آینده‌اش آن می‌شود، این‌ها را باید بداند، معنای
معصوم از جهل هم همین است.

اگر بگویید لازم نیست بداند، همین کلاه‌هایی که در همه‌ی انقلاب‌ها به سر رهبران انقلاب گذاشته می‌شود، که افراد ناباب وارد می‌شود و کم‌کم - فکر نکنید یک دفعه - کم‌کم راه و روش انقلاب را برمی‌گردانند به آن جهتی که می‌خواهند همان باز می‌شود، امام زمان ارواحنا فداه از دنیا تشریف می‌برند به عالم بالاتر و دنیا این زندان را به ما وا می‌گذارند و ما هم که افرادی که این طوری بینمان هست، طبعاً کم‌کم زمام اختیار را در دست می‌گیرند و کم‌کم باز می‌شود قبل از ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام، باز همان می‌شود، غیر از این است؟ تجربه برای ما ثابت نکرده است؟

پس امام جانشین پیغمبر، خلیفه‌ی پیغمبر، اگر پیغمبر اکرم
صلی‌الله‌علیه‌وآله‌عقل‌کُلّ است که هست باید جای خودش
یک نفری را بنشانند، که یا مثل خودش باشد و چون بهتر از آن
معنا ندارد ما نمی‌گوییم یا بهتر از خودش باشد، برو و برگرد
ندارد و الاّ نه به دین علاقه دارد، نه به آینده‌ی بشریت علاقه
دارد، نه می‌خواهد دینش ادامه پیدا بکند، این جوری که
آقایان طرح می‌کنند که پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از دار دنیا
رفت و برای خودش وصی‌ای تعیین نکرد! چه خدایی، چه
پیغمبری، این کار کسانی هست که یک مدّتی می‌خواهند در

دنیا یک عده دورشان باشند، احترامشان کنند و بعد هر چه می‌خواهد بشود!

۷- تعیین ائمه اطهار علیهم السلام در ابتدای خلقت

خدا تعیین کرده است. بعضی از جملات غلطی که در بین ماها هست و متأسفانه افراد جاهل القاء کرده‌اند- این را مجبورم تذکر بدهم- نام این دوازده امام علیهم السلام در اوّل خلقت تعیین شده، پسر کیست؟ مادرش حتی کیست؟ خصوصیات، بیوگرافی اجمالی، حالا از نظر ذات مقدّس پروردگار که تفصیلی است ولی از نظر اظهارش اجمالی

است، تعیین شده و هیچ برو و برگرد ندارد که همین‌ها ائمه‌ی
بعد از پیغمبر هستند، یعنی نمی‌تواند غیر از این باشد آن
وقت آنجا- دیگر نمی‌خواهم بعضی از گفته‌ها را من تکرار
بکنم- یک نسبت‌هایی به حضرت مجتبی علیه‌السلام
می‌دهند! یک نسبت‌هایی به امام رضا علیه‌السلام می‌دهند!
یک نسبت‌هایی به سایر ائمه علیهم‌السلام می‌دهند! که
اصلاً هر چه غیر از اینی که گفتم شنیدید بدانید خلاف
رضای خدا و پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اگر ترس از قیامت
دارید من ان شاء الله می‌گویم همه‌ی گناه اعتقاد این‌ها به
گردن من، اعتقاد داشته باشید، در روز اول همان لحظه‌ای که

پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله خلق شد. این دوازده وصی برای او تعیین شد برو و برگرد هم نداشت، گاهی هم اظهار می فرمود، هفته ی گذشته بود ظاهراً عرض کردم در کتاب ها، کتب اهل سنت، من پیش یکی از شخصیت های مهم وهابی رفتم - از دار دنیا رفت - به ایشان گفتم چون نابینا بود، به ایشان گفتم: «ما تقول فی هذه الروایه» نظر شما در مورد این روایت چی هست ؟ که «الْأَئِمَّةُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ»^{۱۵} خیال کرد یکی از همان اصحاب اطرافش هستم، چون لباس من را نمی دید، وَالَّا من با همین لباس رفته بودم، ایشان فرمودند که

۱۵ - کفایة الأثر، ج ۱، ص ۲۷.

منظور اوّل آن‌ها ابی‌بکر، دوّم عمر، سوّم عثمان، چهارم علی، پنجم معاویه، اینجا توقّفی کرد، من فکر کردم خسته شد چون ردیفش معلوم است، یک نفر آنجا گفت: ثمّ یزید، گفت: نه، یزید شرابخوار بود، قمارباز بود، بی‌دین بود، من او را قبول ندارم، من گفتم: پس چه کسی؟ شما بشمارید دوازده تا مانده، گفت که: در بین این خلفای عبّاسی و اموی بگرد هر کدامشان خوب بودند آن را انتخاب کن تا دوازده تا، آخر این نگذاشت من بقیّه‌ی روایت را بخوانم، گفتم در روایات هست، همان روایتی که شما گفتید صحیح است، در روایات هست که «أَوَّلُهُمْ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيٌّ بْنُ

الْحُسَيْنِ وَ أَنْتَ يَا جَابِرُ» ای جابر تو او را می بینی «و بَلِّغْ مِنِّي
السَّلَامَ» سلام من را به او برسان، گفت: انت جعفری، هنوز تازه
آقا فهمید که ما شیعه هستیم و حالا این هم به خاطر اینکه
هیچ کس نمی آید این روایات را بگوید والاّ خودش می دانست
شروع کرد به بدگویی کردن به شیعه ها، یک نفر هم به من
اشاره کرد که ایشان که اوقاتش تلخ می شود ممکن است کار
دست بدهد بلند شو و برو، ما هم بلند شدیم رفتیم.

۸- روایات در تعیین خلفای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

روایات صحیحه، در کتب معتبره نوشته شده، «خُلَفَائِي مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، أَوْصِيَائِي مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ» این ها عبارات مختلفی است که در شاید اگر مبالغه نباشد هزارتا روایت، دو هزارتا روایت، «الْأئِمَّةُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ، كُلُّهُمْ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، أَوَّلُهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ» آخر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله چه کار کند با این مردم جاهل؟ چه کار کند؟ چطوری توضیح بدهد؟

یک عده شان که روایات را خوانده اند و می خواهند به اصطلاح خیلی دور از حق نگویند می گویند: ما برای پیغمبر

دو دسته خلیفه داشتیم! یک دسته خلفاء معصوم عالم دانشمند که اوّل آنها علی بن ابیطالب علیه السلام است، همین دسته است. یک دسته هم سیاستمداران - اینجا است که بعضی می گویند: دین از سیاست جدا نیست این است معنایش، یعنی اگر گفتیم جدا هست این جوری می شود - یک عده هم مملکت دار، سیاستمدار برای هر چیزی حاضرند هر کاری بکنند، یک عده هم اینها هستند، آن وقت ائمه ی اطهار را جدایشان می کنند، دیگر آقا حالا برای اینکه شما دستتان را ببوسیم، احترامتان کنیم، سهم امام هم آن وقت ها نمی دادند که حالا سهم امامان را به شما بدهیم،

نمازمان را مسائل شرعی اش را از شما بپرسیم، چون همان‌ها در ذهن صحبت ایجاد می‌کردند، لذا در زمان خلفای عباسی یک چند نفر امام آوردند، این امام‌ها که به درد ما نمی‌خورد، امام صادق علیه‌السلام می‌گوید مثلاً دین از سیاست جدا نیست - حالا تعبیر من است - تمام " وَ سَاسَةِ الْعِبَادِ " در زیارت جامعه می‌خوانید، این‌ها که می‌گویند دین از سیاست جدا نیست، نمی‌شود با این‌ها کنار آمد، چون الان به آن‌ها بگوییم هر چه شما می‌فرمایید می‌گوید: آقا یک مثلاً فرض کنید حجاج بن یوسف ثقفی از آنجا بیا پایین من می‌خواهم بنشینم، با این‌ها نمی‌شود کنار آمد، با مراجع شیعه

هم این را بدانید واقعاً سلاطین مشکل داشتند و نمی‌توانستند کنار بیایند منتها خب قدرت زیاد بود، خب چه کارشان کنیم؟ امام می‌تراشیم! ما که خلیفه، جانشین برای پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله تراشیدیم، چرا امام نتراشیم؟! یکی از شاگردان حضرت صادق علیه‌السلام را به او رفتند پول زیادی دادند، با او صحبت کردند، کنار آمدند، به او امکانات دادند، قدرت دادند، گفتند: هر کس به درس تو بیاید ما به او پول می‌دهیم، هر کس به درس امام صادق علیه‌السلام برود پول از او می‌گیریم، مالیات از او می‌گیریم خوب، گفت خیلی خوب، چشم، هر چه هم بگویید گوش

می‌کنم، هرچی بگویید گوش می‌کنم، گفتند و گوش کردند و امروز گرفتاری‌های مسلمین را به اینجا رساندند، ائمه را هم در خانه نشانند.

و ان شاء الله زمینه خیلی پیش آمده امیدوارم به زودی آن لحظات آخر غیبت کبری ان شاء الله به پایان برسد و همه‌مان در زیر سایه امام عصرمان ان شاء الله به همه‌ی کمالات موفق بشویم و امیدوارم پروردگار عزیز عید میلاد حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را که باعث خیلی خیرات شد؛ من یک جمله‌ای گفتم به کسی که روز قبل از میلاد حضرت موسی بن جعفر علیه السلام که در کنار بغداد قبر مطهرش هست، که

روز قبلش دیگر صدام پیدایش نشد که ان شاءالله این یک
اظهاری است که مردم عراق از دست تمام ظالمین و افرادی
که به آنها ظلم می‌کنند، فرقی هم برای ما ندارد چه صدام
باشد چه غیر صدام ان شاءالله نجات پیدا می‌کنند و به
کمالاتی خواهند رسید؛ شیعیان مظلومی که الان حدوداً شاید
چهل سال زیر بار ظلم واقع شده‌اند، یک مدّتش را ما لمس
می‌کنیم و احساس کردیم و الاّ از روزی که این حزب بعث
آمده بر سر آنها مسلط شده بیشتر از چهل سال است.
امیدواریم با ظهور حضرت همه‌ی حقایق ظاهر بشود، همه‌ی
مشکلات ظاهر بشود و به آن امام مبینی که خدا در قرآن

وصفش کرده که مصون از جهل است ان شاء الله به محضرش
مشرّف بشویم و دین و دنیا و آخرتمان در پناه آن حضرت
محفوظ بماند. من دیگر فرصت برای بیشتر از این صحبت
ندارم، ما هم مثل این‌هایی که در تلویزیون صحبت می‌کنند،
ساعت به آن‌ها نشان می‌دهند ما تقریباً این طوری شدیم،
چون حساب دوستان دیگر را می‌کنیم.

«نسئلك اللهم و ندعوك بأعظم اسمائك و بمولانا
صاحب الزمان يا الله و يا الله و يا الله و يا الله و يا الله و يا
الله و يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله»

روز جمعه است، خدایا به آبروی امام زمانمان ما را از خطرات
این لحظات آخر غیبت ما را حفظ بفرما، ما را در صراط
مستقیمی که دستان به دست امام زمانمان برسد قرار بده،
ما را در صراط مستقیمی که همیشه با خاندان عصمت و
طهارت علیهم السلام باشیم قرارمان بده، خدایا استقامت ما
را آن چنان زیاد کن که در آن صفی که: «نَعَتْ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ
فَقُلْتَ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ» خدایا استقامتمان را آن قدر
زیاد کن که در آن صف قرار بگیریم،

پروردگارا ما را از همه‌ی گناهان حفظ بفرما، از همه‌ی
مشکلات دور بفرما، خدایا در پناه امام زمانمان ما را حفظ

بفرما، ما را از بهترین اصحاب و یارانش قرارمان بده، خدایا
توفیق تزکیه‌ی نفس، کمالات روحی به همه‌مان مرحمت بفرما،
امواتمان، شهداءمان، امام راحل‌مان را غریق رحمت
بفرما، عاقبت‌مان ختم بخیر بفرما.

«وَعَجِّلْ فِي فَرَجِ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ»